



به بهانه بیانات اخیر رهبر انقلاب، «وطن امروز» به بازخوانی مواضع مرعوبانه جریان غربگرا در طول ۴ دهه گذشته پرداخت

# مغلوبین همیشگی

قطعی انسان هم از یاد می‌رود. انسان مرعوب، اینطور است. «جبن» هم عقل را از کار می‌اندازد، هم عزم را. انسان مرعوب و جبن، نه درست می‌تواند فکر کند، نه درست می‌تواند عزم و اراده خودش را به کار بیندازد؛ دائم یک قدم به جلو برمی‌دارد و یک قدم به عقب.

رهبر انقلاب در بخش دیگری از بیاناتش خطاب به نمایندگان فرمودند: «بعضی‌ها خودشان را کوچک می‌شمارند؛ بعضی‌ها نیروی خودشان را ندیده می‌گیرند؛ بعضی‌ها آن استعداد و حرکت و انرژی عظیمی را که در درون این ملت و دستگاه مدیریت این کشور - از مجموعه قوا- وجود دارد، دست کم می‌گیرند. این هم جزئی از تبلیغات دشمن است. همه هدف تبلیغات دشمن این است: «بدبخت شدیدا بیچاره شدیدا از بین رفتید؛ تمام شد!» این تبلیغات مربوط به امروز هم نیست؛ سال‌هاست همین مطالب را تکرار و ترویج می‌کنند و هدف هم چیزی جز این نیست که شما را وادار کنند تا از موضع خود عقب‌نشینی کنید.» به گزارش تسنیم، اما بر خلاف آنچه نمایندگان مجلس ششم تصور می‌کردند و انتظار داشتند آمریکا پس از افغانستان به ایران حمله کند، نه تنها جرم زهری نوشته نشد، بلکه برنامه آمریکا برای تغییر نقشه ژئوپولیتیک منطقه به نفع ایران تمام شد و عملاً بعد از حمله به عراق، آمریکا در باتلاق گیر کرد که دیگر نتوانست به کشوری حمله کند. در انتخابات بعدی مجلس نیز بسیاری از امضاکنندگان نامه رأی نیاوردند و در اواخر دولت خاتمی، برنامه هسته‌ای ایران که به بهانه جلوگیری از جنگ تعطیل شده بود، با دستور رهبر انقلاب ادامه پیدا کرد.

اصلاح‌طلب مجلس ششم در نامه‌ای خطاب به رهبر انقلاب اسلامی نوشتند: «اگر جام زهری باید نوشید، قبل از آنکه کیان نظام و مهم‌تر از آن، استقلال و تمامیت ارضی کشور در مخاطره قرار گیرد، باید نوشیده شود.» اما منظور از جام زهر چه بود؟ ماجرا از این قرار بود که با حمله آمریکا به افغانستان، جریان غربگرا با این پیش‌فرض که پس از افغانستان، آمریکا ایران را مورد حمله قرار خواهد داد، در نامه‌ای خطاب به مقام معظم رهبری، پس از ارائه کفرخواستی طولانی علیه نهادهای مختلف جمهوری اسلامی، نظام اسلامی را به اختناق، سرکوب، انحصارطلبی و منزوی کردن کشور متهم کرده و خطاب به ایشان نوشتند: «شاید در تاریخ پر فراز و نشیب معاصر ایران، هیچ زمانی را به حساسیت امروز نتوان یافت. تنها با تسامح می‌توان وضعیت ایران را در زمان اشغال در جنگ جهانی دوم یا پیش از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، به وضع کنونی قابل مقایسه دانست...» و بعد چنین ادامه می‌دهند: «با این حال و روز کشور، فرصت چندانی باقی نمانده است... اگر جام زهری باید نوشید، قبل از آنکه کیان نظام و مهم‌تر از آن، استقلال و تمامیت ارضی کشور در مخاطره قرار گیرد، باید نوشیده شود.»

نامه اهانت‌آمیز اصلاح‌طلبان که نشان از هراس و غریب‌زدگی آنها داشت، از سوی رهبر حکیم انقلاب بی‌پاسخ نماند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خرداد سال ۸۲ در آخرین دیدار با نمایندگان مجلس ششم، ضمن اشاره به نامه مرعوبانه اصلاح‌طلبان فرمودند: «در شرایط مرعوب شدن، ترسیدن، مضطرب شدن، متلاطم شدن، حتی باورهای

تحمیلی شدت گرفته بود و دفاع‌مقدس ادامه داشت، نظام سیاسی کشور را به استبداد و خفقان متهم کرد. نفرت‌پرانی بازرگان به حدی بود که عطاءالله مهاجرانی، نماینده وقت مجلس درباره اظهارات بازرگان گفت: «چه تقارن شگفتی؛ بمباران گیلانغرب توسط صدام و بمباران نظام جمهوری اسلامی توسط بازرگان. صدام مستقیماً بمب‌های خوشه‌ای را بر سر مردم می‌ریزد و بازرگان امید و آرمان همان مردم را نشانه می‌رود. یورش نظامی صدام و تهاجم تبلیغاتی و سیاسی بازرگان نوعی تناسب و تطابق دارند. باید به بازرگان گفت اگرچه قدری دیر شده اما: به طهارت گذران، منزل پیری و مکن خلعت شیب به تشریف شایب آلوده... مویی بر دیده شما نشسته و شما مو را کوه می‌بینید و موی در دیده کوه عظیم». نهضت آزادی سال ۶۷ نیز در نامه‌ای گستاخانه که خطاب به امام خمینی (ره) صادر کرد، باز هم بدون اشاره به دفاع مشروع ایران و تلاش برای بازپس‌گیری خاک اشغال شده از عراق نوشت: «در اجرا و تداوم جنگ، غیر از مرحله دفاعی مشروع قانونی اولیه که صدام و ارتش او دچار شکست و خواری و مجبور به فرار شده، دولت عراق از جمله مصادیق سیاست غرامت‌گراید، بسیاری از مردم صاحب‌نظر و علاقه‌مندان به ایران و اسلام ادامه جنگ را که تعرضی و انتقامی بود، نه اسلامی و قرآنی، طبق رضا و امر خدا می‌دانند و نه تداوم آن را به مصلحت مردم ایران و مستضعفین جهان یا به سود اسلام می‌بینند. مضافاً به اینکه پیروزی را از این طریق و از ابتدا امکان‌پذیر و موفق نمی‌شناختند. آنچه مشهود و مسلم است ابرقدرت‌های شرق و غرب و اسرائیل هستند که از تداوم و توسعه جنگ بهره برده و می‌برند و به کام دل رسیده‌اند. آیا وقت آن نرسیده است که رهبر انقلاب بازگشتی به خود و خدا کرده و تجدید نظری در تصمیم و تصورات گذشته بفرمایند.»

از دهه ۷۰ به این سو نیز اگرچه حزب نهضت آزادی منحل و فعالیت آن غیرقانونی اعلام شده بود اما اعضای این حزب به همکاری با جریان دوم خرداد رو آوردند به طوری که در فتنه‌های ۷۸ و ۸۸ در کنار اصلاح‌طلبان و در مقابل جمهوری اسلامی قرار گرفتند. اعضای نهضت آزادی به دلیل کنار گذاشته شدنشان از سپهر سیاسی کشور توسط مردم، سال‌ها تلاش کردند با اتخاذ مواضع تند و بعضاً همراه با دروغ و گستاخی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی، نام خود را دوباره «پیندازند. تلاش این جریان فکری در خلال سال‌های دهه ۶۰ و ۷۰ برای مقصد جنگ تحمیلی دانستند. به طور مثال شخص بازرگان انقلاب اسلامی را عامل اصلی آغاز جنگ ۸ ساله معرفی می‌کرد و معتقد بود مواضع سران انقلاب، بویژه امام خمینی (ره) صدام را تحریک به جنگ علیه ایران کرد(۱) حال آنکه صرف پیروزی انقلاب اسلامی و بازیابی استقلال گمشده ایران در تاریخ، کافی بود تا آمریکا و دیگر کشورهای استعماری طرح نابودی انقلاب نوپای مردم ایران را بپویزی و اجرا کنند. در همین رابطه «کنست آر. تیمرمن» در کتاب «سوداگری مرگ (ناگفته‌های جنگ عراق با ایران)» می‌نویسد: «ملاقات صدام و برژنسکی در تیر سال ۵۹ در مرز ۲ کشور اردن و عراق، بخشی از تلاش‌های مشترک آمریکا و عراق، با هدف هماهنگ کردن فعالیت‌های ۲ کشور علیه ایران بود. این دیدار به منزله چراغ سبز آمریکا به عراق درباره جنگ با ایران تلقی شد». پس از آغاز جنگ تحمیلی، مشخصاً از سال ۶۰ به بعد نیز نهضت آزادی با نادیده گرفتن حقایق دفاع و بازپس‌گیری اراضی اشغالی از عراق، تلاش کرد شرایط پیش‌آمده ناشی از جنگ را به مستمسکی برای کینه‌ورزی علیه جمهوری اسلامی تبدیل کند. سال ۶۲ و در حالی که بخشی از خاک ایران تحت اشغال رژیم بعث بود، نهضت آزادی در قطعنامه ششمین کنگره خود در ارتباط با دفاع‌مقدس اعلام کرد: نهضت آزادی با آنکه جنگ را در اصل ابتلای الهی و وسیله‌ای برای اصلاح و ارتقای ملت ایران می‌داند، نه گردانندگان و دست‌اندرکاران را غیر مسؤول و غیر مقصر می‌شناسد و نه تشدید و استمرار جنگ را مطلق دستور و رضای خدا و به مصلحت انقلاب و ایران و اسلام می‌داند. مرداد سال ۶۲ نیز بازرگان در شرایطی که جنگ

به استعفا کرد که آخرین آن آبان ۵۸ پس از تسخیر لانه جاسوسی توسط دانشجویان پیرو خط امام اتفاق افتاد. نقطه مشترک استغفاهای دولت موقت، انتقاد و ابراز ناامیدی از سامان گرفتن وضعیت ویژه کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود. این در حالی بود که بازرگان و سایر افراد وابسته به نهضت آزادی که در قالب دولت موقت روی کار آمده بودند، با وجود انتقادات بی‌اساس‌شان به وضعیت کشور، با تصمیم‌گیری‌ها و اتخاذ سیاست‌های خیالی، کشور را دچار بحران‌های متعددی کردند. یکی از این موارد، بحران پیش‌آمده در منطقه غرب کشور بود. درست از فردای پیروزی انقلاب اسلامی، گروهک‌های تجزیه‌طلب فعال در کردستان، از جمله کومله، حزب دموکرات، رزگاری و... با توجه به شرایط ویژه کشور، فرصت را مناسب دیدند تا اهداف تجزیه‌طلبانه خود را که منجر به جدایی کردستان از ایران می‌شد، عملی کنند. آشوب‌هایی که می‌توانست با برخورد سخت حاکمیت با گروه‌های معاند در نطفه خفه شود، با سیاست‌های منفعلانه دولت موقت رفته رفته به یک بحران جدی تبدیل شد که تمامیت ارضی ایران را نشانه رفته بود. بازرگان و دولت موقت به جای برخورد سخت با تجزیه‌طلبان، خط سازش و مذاکره را پیش گرفتند که همین موضوع باعث شد فضا برای مانور بیش از پیش گروهک‌های تجزیه‌طلب فراهم شود. مقابله بازرگان با سپهبد قرنی، رئیس وقت ستاد کل ارتش که در حال سرکوب معاندین بود، از جمله مصادیق سیاست سازشکارانه بازرگان در کردستان بود.

■ انتقاد از دفاع مقدس  
در طول ۸ سال جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه کشورمان، افراد وابسته به نهضت آزادی بارها به انتقاد از دفاع‌مقدس پرداختند. غربگرایان در کینه‌ورزی نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی تا آنجا پیش رفتند که در نهایت ایران را مقصد جنگ تحمیلی دانستند. به طور مثال شخص بازرگان انقلاب اسلامی را عامل اصلی آغاز جنگ ۸ ساله معرفی می‌کرد و معتقد بود مواضع سران انقلاب، بویژه امام خمینی (ره) صدام را تحریک به جنگ علیه ایران کرد(۱) حال آنکه صرف پیروزی انقلاب اسلامی و بازیابی استقلال گمشده ایران در تاریخ، کافی بود تا آمریکا و دیگر کشورهای استعماری طرح نابودی انقلاب نوپای مردم ایران را بپویزی و اجرا کنند. در همین رابطه «کنست آر. تیمرمن» در کتاب «سوداگری مرگ (ناگفته‌های جنگ عراق با ایران)» می‌نویسد: «ملاقات صدام و برژنسکی در تیر سال ۵۹ در مرز ۲ کشور اردن و عراق، بخشی از تلاش‌های مشترک آمریکا و عراق، با هدف هماهنگ کردن فعالیت‌های ۲ کشور علیه ایران بود. این دیدار به منزله چراغ سبز آمریکا به عراق درباره جنگ با ایران تلقی شد». پس از آغاز جنگ تحمیلی، مشخصاً از سال ۶۰ به بعد نیز نهضت آزادی با نادیده گرفتن حقایق دفاع و بازپس‌گیری اراضی اشغالی از عراق، تلاش کرد شرایط پیش‌آمده ناشی از جنگ را به مستمسکی برای کینه‌ورزی علیه جمهوری اسلامی تبدیل کند. سال ۶۲ و در حالی که بخشی از خاک ایران تحت اشغال رژیم بعث بود، نهضت آزادی در قطعنامه ششمین کنگره خود در ارتباط با دفاع‌مقدس اعلام کرد: نهضت آزادی با آنکه جنگ را در اصل ابتلای الهی و وسیله‌ای برای اصلاح و ارتقای ملت ایران می‌داند، نه گردانندگان و دست‌اندرکاران را غیر مسؤول و غیر مقصر می‌شناسد و نه تشدید و استمرار جنگ را مطلق دستور و رضای خدا و به مصلحت انقلاب و ایران و اسلام می‌داند. مرداد سال ۶۲ نیز بازرگان در شرایطی که جنگ

**علی عوض‌خواه:** رهبر انقلاب اسلامی در دیدار اخیر جمعی از نخبگان و استادان علمی کشور، ضمن برشمردن موفقیت‌های ۴ دهه‌ای جمهوری اسلامی در حوزه‌های مختلف، به جریانات غربگرایانه اشاره کردند که از روزهای پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ تا امروز، فریاد زوال جمهوری اسلامی را سر می‌دهند. حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در این باره فرمودند: «از اوایل انقلاب اسلامی، غربی‌ها در تبلیغات‌شان این جور وانمود می‌کردند که نظام جمهوری اسلامی بر اثر انقلاب به وجود آمده، رو به زوال است؛ از همان روزهای اول می‌گفتند! رو به زوال است. گاهی می‌گفتند ۲ ماه دیگر، گاهی می‌گفتند یک سال دیگر، گاهی می‌گفتند ۵ سال دیگر؛ زمان معین می‌کردند! یک عده‌ای هم متأسفانه در داخل - حالا با از روی غفلت، بعضی‌ها هم از روی بدخواهی- همین را ترویج می‌کردند. زمان امام، یک روزنامه‌ای که اسبم نمی‌آورم برداشت یک مقاله مفصلی نوشت، به نظر من تیرم هم زدند - از آن تیرهای درشت صفحه اولی - که مضمونش این بود، حلاً عیش یادم نیست، که خلاصه نظام در حال فروپاشی است! امام آن وقت جواب دادند، گفتند: شما خودتان در حال فروپاشی هستید؛ نظام محکم و مستحکم ایستاده، نه اینکه حالا چون امام بود و هیبت امام مانع می‌شد، نخیر! زمان امام هم می‌گفتند». ایشان در ادامه به ذکر مصادیق دیگری از تلاش جریانات غربگرا برای اثبات شکست انقلاب اسلامی پرداخته و فرمودند: «بعد از رحلت امام، در سال ۶۹، بعضی موجبین - یعنی آدم‌های موجهی هم بین‌شان بودند، چهره‌های معروف نظام و موجه که سابقه کاری هم در نظام داشتند - یک اعلامیه‌ای دادند که نظام در لبه پرتگاه است، یعنی همین روزهاست که خلاصه قضیه تمام بشود! کی؟ سال ۶۹. اما اشاره رهبر انقلاب به کدام اعلامیه بود؟ آنهایی که در سال ۶۹ با صدور اعلامیه‌ای، زوال زودهنگام جمهوری اسلامی را اعلام کردند، چه کسانی بودند؟

■ نهضت یاس و ناامیدی  
سیست و ششم اردیبهشت ماه ۶۹، اعضای حزب منحل نهضت آزادی، به همراه برخی چهره‌های لیبرال دیگر در نامه‌ای خطاب به مرحوم هاشمی،

رئیس‌جمهور وقت با معرفی خود به عنوان خیرخواه ایران نوشتند: «متأسفانه تذکرات و هشدارهای ناصحان و خیرخواهان نادیده گرفته شده است و اکنون کشور عزیز ما در بن‌بست و بحرانی از سختی و ناخشنودی و ناپاسامانی دست و پا می‌زند. علی‌رغم وعده‌های به مستضعفین و شعارهای برطنین، طبقات محروم جامعه محروم‌تر و زیاده‌تر شده‌اند. در چنگال گرانی و گره‌های زندگی گرفتارتر و از آینده خود مأیوس‌تر، ملک و ملت به لبه پرتگاه وحشتناک ویرانی و نابودی رسیده است». مهدی بازرگان، ابراهیم یزدی، یدالله سجادی، عزت‌الله سجادی و همچنین محمد توسلی از جمله اعضای نهضت آزادی بودند که این نامه معروف به نامه ۹۰ نفر را امضا کردند. نورعلی تابنده رهبر مقبور در اویش ترویرت گنابادی، هاشم صباغیان و احمد صدر حاج‌سیدجوادی نیز از دیگر لیبرال‌های نزدیک به بازرگان و نهضت آزادی بودند که اعضای‌شان پای نامه مذکور دیده می‌شد. البته این اولین باری نبود که جریان غربگرا، به طور مشخص نهضت آزادی، از زوال و پایان انقلاب اسلامی دم می‌زد. سابقه باسیدن بدر یاس و ناامیدی از نسوی نهضت آزادی به سال‌های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی بازمی‌گشت. دولت موقت به ریاست بازرگان در عمر چند ماهه خود، ۴ مرتبه امام خمینی (ره) را تهدید

## خوش‌رقصی اصلاح‌طلبان برای آمریکا

نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس ششم در طول دوران نمایندگی خود همواره تلاش کردند رفتار و عملکرد خود را آتظور که خوشامد غرب است تنظیم کنند. احمد شیرزاد، نماینده اصلاح‌طلب مجلس ششم در نطقی که آذر ۸۲ در مجلس داشت، بخوبی وظیفه خود - یعنی جلب رضایت غرب - را انجام داد. در روزهایی که بحث صنعت هسته‌ای کشورمان داغ بود، وی در نطقی که در مجلس انجام داد، همه دستاوردهای هسته‌ای کشور را زیر سوال برد و عملاً در پاژل ایران‌ستیزی آمریکا بازی کرد. وی که عضو فراکسیون مشارکت بود، سوم آذر ۸۲ پشت تریبون مجلس رفت و نطق خود را اینگونه آغاز کرد: «مدعی بودیم رهبر معنوی جهان هستیم. تمام توده‌های محروم چشم امید به ما دوخته‌اند. از مظلومان جهان حمایت می‌کنیم. سرمدار اخلاق و انسانیت در جوامع خشونت‌زده امروز هستیم. به جای سلاح‌های مرگبار ضدانسانی، بر ایمان و ایثارگری جوانان مان تکیه داریم. می‌گفتیم رژیم هستیم که قدرت‌مان ریشه در قلوب مردم دارد. وی در نطقی که در مجلس انجام داد، همه دستاوردهای هسته‌ای کشور را زیر سوال برد و عملاً رهبران و مردم نیست و همبستگی مردم با حاکمیت ضامن شکست تمام توطئه‌هاست. مدعی بودیم راه نوبنی برای بنسیریت به ارمغان آورده‌ایم». شیرزاد در ادامه اظهارات ضدمنافع ملی خود گفت: «اما امروز در جهان از ما چهره رژیم ساخته‌اند خشن، سرکوبگر و بریده از مردم، متکی بر قدرت نظامی و ابزار سرکوب. تصویر رژیمی که هیچ سخن انتقادآمیزی را بر نمی‌تابد و روز به روز مرزهای خطوط قرمز آن گسترش می‌یابد. چهره حکومتی که در رفتار متفاوت با ادعایش دارد و به فکر تهیه سلاح‌های مرگبار و ابزار تهدیدکننده بشریت است. از این رژیم چنان تصویری منعکس شده است که گویی منطق گفت‌وگو با جهان را نمی‌داند و تنها زبان تهدید را می‌شناسد و با خشن‌ترین و قسی‌ترین گروه‌های ترویرستی در ارتباط است. می‌گویند رد پای او در بسیاری از حوادث ترویرستی در گوشه و کنار جهان وجود دارد و دین برای او ابزار سرکوب است. از ما تصویر رژیمی ساخته‌اند که دروغ می‌گوید و به تعهدات خود در جامعه جهانی پایبند نیست و قس‌علی‌هذا، چند روز پیش تیرت درشت برخی روزنامه‌های اروپا این بود: جمهوری اسلامی ۱۹ سال به جهانیان دروغ گفته است». این نماینده اصلاح‌طلب مجلس ششم رسماً ادعاهای غرب در ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران را مدارک مستندی می‌خواند که آنها از برنامه هسته‌ای ایران در اختیار دارند و حرکت ایران به سمت هسته‌ای شدن را با مسائل سیاسی و ادعاهای حقوق بشری در کنار یکدیگر قرار داده و می‌گوید: «آن زمانی که ساده‌لوحانه سرس خود را به زیر پرده کردند، پروژه‌های بلندپروازانه بی‌هدف طراحی کردند، نامعقول‌ترین و نامتعارف‌ترین شیوه‌ها را برای دستیابی به فناوری هسته‌ای برگزیدند و فکر نکردند آنچه می‌کنند روزی در معرض دید و بررسی متخصصان جهان قرار می‌گیرد، آن روز که سایت عظیم ۵۰ هزار متری طراحی کردند تا در چند متر مربع (رئیس: وقت‌تان تمام است) از یک گوشه آن چند دستگاه کوچک نصب کنند، فکر نکردند اگر از این جاه، آب فناوری استراتژیک در نیاید، نان تبلیغات استکباری در خواهد آمد. آری! در آن روز باید روزی را می‌دیدند که علیه ما تیرت شود «جمهوری اسلامی ۱۹ سال دروغ گفت». آیا با فرض هر موفقیتی، این ضربه معنوی (رئیس: وقت‌تان تمام است) و تبلیغاتی قابل توجیه است؟ والسلام‌علیکم». اظهارات شیرزاد به قدری کذب و خلاف منافع ملی بود که مهدی کربویی رئیس وقت مجلس بلافاصله بعد از اظهارات شیرزاد به آن واکنش نشان داد و از وی به خاطر نطقش شدت انتقاد کرد. کربویی خطاب به شیرزاد گفت: «یک سوال از جنابعالی دارم. اگر رادیو اسرائیل بخواهد این حرف‌ها را بزند آیا تندتر از حرف‌های شما خواهد بود؟»

■ جام زهری که نوشیده نشد  
۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۱، ۱۲۷ نفر از نمایندگان

این مسیر تنها متعلق به شماست. اینترنتی "کامل" اختصاصی برای کسب‌وکار شما

رسپینا

بزرگ‌ترین ارائه‌دهنده پهنای باند اختصاصی به سازمان‌ها در ایران

www.respina.net

@respinaofficial

تلفن: ۰۲۱-۹۲۰۰۰۰۰۰



شرکت داده‌پردازی رسپینا  
(سهامی خاص) - شماره ثبت: ۱۳۹۱۱  
تأسیس: ۱۳۸۵ - شماره ثبت: ۱۳۹۱۱  
از ما می‌توانید به‌راحتی و با خیال آسوده